آثار گیاه‌شناسی تألیفی و ترجمه‌ای در قرن هفتم هجری در تمدن اسلامی

مرضیه خبیری[الف]، فرید قاسملو[ب]، محمدمهدی احمدیان عطاری[ج]، عاطفه پیرانی[د]، محمود مصدق[هـ*]

[الف] دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ پزشکی، دانشکدهٔ طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

[ب] عضو هیئت علمی گروه تاریخ علم، بنیاد دائره‌المعارف اسلامی، تهران، ایران

[ج] استادیار، دکترای تخصصی داروسازی سنتی، مرکز تحقیقات گیاه‌درمانی و طب مکمل مبتنی بر شواهد، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

[د] استادیار، دکترای تخصصی سیستماتیک گیاهی، گروه زیست‌شناسی، دانشکدهٔ علوم، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

[هـ] استاد، دکترای تخصصی فارماکوگنوزی، گروه داروسازی سنتی، دانشکدهٔ طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

سابقه و هدف: علم گیاه‌شناسی از پایه‌های داروسازی و داروشناسی است. قرن هفتم هجری مقارن با تحولات اجتماعی و سیاسی مهمی در قلمرو اسلامی از جمله حملهٔ مغول و جنگ‌های صلیبی است. با این وجود مطالعات اندکی در زمینه تألیف‌های گیاه‌شناسی این بازهٔ زمانی انجام شده است. این مقاله در نظر دارد آثار گیاه‌شناسی قرن هفتم را معرفی کند.

مواد و روش‌ها: تحقیق به روش کتابخانه‌ای انجام گرفت. آثار گیاه‌شناسی تألیفی و ترجمه‌ای تمدن اسلامی در قرن هفتم مورد استخراج و بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که ۶۱ اثر تألیفی و ترجمه‌ای در قرن هفتم در زمینهٔ گیاه‌شناسی نوشته شده است. از این میان، ۴۵ مورد دارای نسخهٔ خطی هستند و از بقیهٔ موارد تنها نامی در منابع باقی مانده است.

نتیجه‌گیری: به‌نظر می‌رسد علی‌رغم همه مسائل و مشکلات پیش‌آمده در قرن هفتم، دانشمندان این قرن به ترجمه و نقل آثار قبلی اکتفا نکرده و خودشان به بررسی و مشاهده و آزمایش گیاه‌شناسی اقدام کرده و تعداد قابل ملاحظه‌ای کتاب و رسالهٔ جدید تألیف کردند.

کلیدواژه‌ها: گیاه‌شناسی، قرن هفتم، تمدن اسلامی، الادویه المفرده، قرابادین، الفلاحه.

تاریخ دریافت: مرداد ۹۵
تاریخ پذیرش: مهر ۹۶

مقدمه:

هر علمی ریشه در پیشینهٔ خود دارد و همواره با گذشت زمان بر تجربه‌ها و دانسته‌های قبلی آن افزوده می‌شود. هر نسل میراث‌دار علمی نسل گذشته بوده و تجربیات او نیز ارزش افزوده‌ای برای نسل بعدی است و به این ترتیب دانش انسان‌ها سیر تکاملی خود را در نسل‌ها ادامه داده و می‌دهد (۱). تقریباً در تمام اقوام و قبایل، انسان‌ها از گیاهانی که در طبیعت اطراف آنها می‌روییده، بهره می‌گرفته‌اند. سابقهٔ طولانی مصرف افدرا در چین، استفاده از گیاهان معطر در مصر و استفاده از برگ بو در روم باستان همه گواه این ادعاست (۲). مردم رفته رفته و از راه تجربه و آزمون و خطا دریافتند که بعضی از گیاهان سودمندند و بعضی دیگر زیان‌بخش، پاره‌ای نیز خاصیت غذایی دارند و به مذاق آدمی سازگارند و بدن را قوی می‌کنند. مهم‌ترین کشف گذشتگان، کشف خاصیت دارویی علف‌ها و ریشه‌ها بود که دانستند گیاهان خاصیت مسهلی یا قی‌آوری یا مُسَکنی و نظایر آنها را دارند. انسان‌ها آرام آرام دریافتند که اثر صحیح دارو وقتی است که به مقدار معیّن استعمال شود و اگر از این مقدار تجاوز کند می‌تواند موجب مرگ یا تشدید بیماری شود (۳).

قدیمی‌ترین سندی که در کاربرد گیاهان دارویی تاکنون شناخته شده، از لوح‌های گلی سومر و اکد متعلق به هزارهٔ سوم پیش از میلاد در بین‌النهرین باستان به‌دست آمده است که نشان می‌دهد آنان به ارزش برخی داروهای گیاهی برای مقابله با بیماری‌ها عقیده داشتند (۴). در همین راستا، ارسطو (۳۳۰ق‌م)

* فرد مسئول مکاتبات: mmosaddegh@itmrc.org

اولین اندیشمندی است که دربارهٔ رشد و نمو گیاهان مطلبی نوشته است. پس از وی شاگردش تئوفراست و بقراط در این زمینه آثاری نگاشتند. در دوران عتیق، مشهورترین دانشمند در شناخت گیاهان دارویی پدانیوس دیوسکوریدس طبیب و جراح ارتش روم در سال‌های ۴۵ تا ۷۵ پس از میلاد است (۵). توجه اعراب قبل از اسلام به علم گیاه‌شناسی مبتنی بر یک حقیقت اجتماعی بوده و آن نیاز آنها به چراگاه‌ها برای چهارپایان خود بوده است (۶). پس از اسلام، تأکید پیوستهٔ قرآن کریم و اولیای دین بر تفکّر و تعقّل و آموختن دانش، سبب تشویق و ترغیب مسلمانان به علوم مختلف شد. با گسترده شدن وسعت ممالک اسلامی و از آغازین سال‌های قرن دوم هجری، ترجمهٔ کتاب‌های ملل مختلف جهان شروع شد (۷). آنان به گیاه‌شناسی، چون دیگر علوم، رغبت وافر نشان دادند. مترجمان عهد رشید و مأمون، این رشته از معارف را نیز سخت مورد توجه قرار دادند (۸). مهم‌ترین اثر یونانی که در این زمینه به دست گیاه‌شناسان اسلامی رسید، کتاب *"الحشائش"*، نوشتهٔ دیوسکوریدس، نویسندهٔ اهل آسیای صغیر در سدهٔ اول میلادی بود. این کتاب به قلم حنین‌بن‌اسحاق و چند تن دیگر از مترجمان نهضت ترجمه، به عربی ترجمه شد (۷).

مسلمانان مجموعهٔ وسیعی از اطلاعات یونانی، رومی، بابلی، ایرانی و هندی را به میراث بردند و از ترکیب آنها با یکدیگر شالوده‌ای برای تحقیقات خود در جهان گیاهان فراهم آوردند. توجّه دانشمندان اسلامی به گیاهان هم از لحاظ کشاورزی و هم از لحاظ پزشکی بسیار زیاد بود. تألیف کتاب‌های گیاه‌شناسی در اسلام با رساله‌های جابربن‌حیان دربارهٔ گیاه‌شناسی و کشاورزی در قرن دوم هجری آغاز شد. همچنین علمای لغت و صرف و نحو این دوره همچون شبیل‌بن‌عَزره، نضربن‌شُمیل، ابوزید انصاری بصری، ابوعمرو شیبانی، ابن‌سکیت کوفی و ابوسعید اصمعی به گیاهان علاقه‌مند بودند و اطلاعاتی دربارهٔ اشکال و خواص و نام‌های آنها فراهم آوردند (۹). مسیر تکامل و توسعهٔ دانش گیاه‌شناسی در تمدن اسلامی در قرن‌های بعدی نیز ادامه یافت.

در این راستا برخی از پژوهشگران به شناسایی آثار گیاه‌شناسی همّت گماشته‌اند از جمله فؤاد سزگین در جلد سوم و چهارم کتاب *"تاریخ نگارش‌های عربی"* به بررسی این دانش تا اوائل قرن پنجم پرداخته است. محققانی همچون احمد عیسی بک در کتاب *"تاریخ النبات عند العرب"* و گورگیس عواد در کتاب *"مصادر النباتات الطبیه عند العرب"* آثار گیاه‌شناسی را در نگاشته‌های عربی در تمدن اسلامی از صدر اسلام تا سده‌های اخیر بررسی کرده‌اند. باید توجه داشت که کاوش‌های مذکور محدود به منابع عربی شده است و سایر زبان‌های مورد استفاده در تمدن اسلامی از جمله کتاب‌های فارسی و ترکی در این پژوهش‌ها مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

با توجه به اهمیت سیاسی- اجتماعی قرن هفتم هجری که مصادف با حملهٔ مغول و جنگ‌های صلیبی است؛ این مقاله در نظر دارد به تهیهٔ فهرستی از آثار گیاه‌شناسی دانشمندان مسلمانان در این قرن بپردازد.

مواد و روش‌ها:

تحقیق به روش کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع زیر انجام گرفت:

جلد پنجم کتاب *"فهرستوارهٔ کتابهای فارسی"* از احمد منزوی؛ *"فهرستوارهٔ دست‌نوشته‌های ایران (دنا)"* اثر مصطفی درایتی؛ *"فهرستوارهٔ مشترک نسخه‌های خطی پزشکی و علوم وابسته در کتابخانه‌های ایران"* تألیف محمدرضا شمس اردکانی و همکاران؛ *"فهرست مخطوطات الفلاحه، النبات، المیاه و الری"* ارائه شده در کنگرهٔ سوم تاریخ علوم نزد عرب در سال ۱۹۸۸ میلادی در کویت؛ *"فهرست مخطوطات طب اسلامی"* اثر رمضان ششن و همکاران؛ *"عیون الانباء فی طبقات الاطباء"* اثر ابن‌ابی‌اصیبعه؛ کتاب *"مصادر النباتات الطبیه عند العرب"* اثر گورگیس عواد؛ جلد سوم و چهارم *"تاریخ نگارش‌های عربی"* اثر فؤاد سزگین، جلد چهارم کتاب *"تاریخ الادب العربی"* اثر کارل بروکلمان و *"تاریخ النبات عند العرب"* اثر عیسی بک.

در نهایت فهرست آثار تألیفی و ترجمه‌ای گیاه‌شناسی تمدن اسلامی در قرن هفتم هجری از منابع فوق استخراج شد. همچنین، به کمک دیگر منابع مرتبط، معرفی مختصری از مؤلفان این دوره، صورت پذیرفت.

یافته‌ها و بحث:

علم النبات

طاش کبری‌زاده علم گیاه‌شناسی را در کتابش" *مفتاح السعاده*" این‌گونه تعریف کرده است: «گیاه‌شناسی علمی است که به‌دنبال خواص گونه‌های گیاهی، شگفتی‌ها، شکل‌های مختلف، منافع و مضرات آن می‌باشد و موضوع آن گونه‌های گیاهی، فواید و منافع آن و شیوهٔ درمان با آن است» (۶).

در نخستین نوشته‌های گیاه‌شناسی اسلامی همچون کتاب "الحدود" جابربن‌حیان، گیاه‌شناسی (علم النبات) و کشاورزی (علم الفلاحه) در یک گروه طبقه بندی شده است، ولی بعدها این دو علم از یکدیگر جدا شد. به همین گونه نخستین تحقیقات و مطالعات داروشناسی از مطالعات و تحقیقات گیاه‌شناسی مستقل نبود (۹).

دانشمندان و آثارگیاه‌شناسی قرن هفتم هجری:

قرن هفتم هجری مقارن با جنگ هفتم صلیبی و حملهٔ مغولان از شرق آسیا به ممالک اسلامی بود و این قرن را به‌خاطر از بین رفتن تمدن‌ها و حملهٔ مغولان، قرن وحشت نام‌گذاری کردند (۷). مغولان شرق عالم اسلامی را لجام گسیخته در نوردیدند. به همین خاطر، بنیادهای فکری و فرهنگی، علمی سیاسی اقتصادی و اجتماعی جهان اسلام ویران شد و خللی جبران‌ناپذیر بر پیکرهٔ تمدن نوپای اسلامی نشست. در این میان آنچه بیشتر از همه آسیب دید، نهادهای علمی کتابخانه و آموزشگاه‌ها بودند. دانشمندان، عارفان، فقیهان و شاعران یا به تیغ جهل و جفای تاتار جان دادند و یا با کوله‌باری از کتاب به مناطق امن گریختند (۱۰). دانشمندانی به شام و مصر که دور از تاخت و تاز مغول بود مهاجرت کردند (۱۱). خاندان ایوبی با آنکه مدتی طولانی از دوران حکمرانی خود را صرف جنگ‌های داخلی و خارجی کردند، از پرداختن به فرهنگ و گسترش آن غافل نبودند: دانشمندان، ادبا و اهل فضل را بس گرامی می‌داشتند و بعضی از آنها را در دستگاه دولت به خدمت می‌گرفتند (۱۲).

در چنین شرایطی دانشمندان در غرب و شرق جهان اسلام تحقیقات فراوانی در زمینهٔ دانش گیاه‌شناسی داشتند و نتیجهٔ تجربیات علمی خود را به شکل کتاب‌ها و رسالات مستقل ارزشمندی به نگارش در آوردند. دانشمندان مسلمانان و آثار گیاه‌شناسی آنها در قرن هفتم عبارت‌اند از:

ابن‌میمون

موسی‌بن‌میمون اسرائیل قرطبی (۵۳۰- ۶۰۱ه.ق)، عالم و فیلسوف و طبیب یهودی که در فقه و شرایع یهود مقام والایی داشت (۱۳). "*شرح اسماء العقار*"، از جمله آثار معروف در زمینهٔ شناخت مفردات است. موسی‌بن‌میمون آن را به زبان عربی نگاشته و در مقدمهٔ کتاب بیان می‌کند که در شرح نام داروها از منابعی نظیر کتاب‌های ابن‌جلجل، ابی‌ولیدبن‌جناح، غافقی، ابن‌وافد و ابن‌سمجون استفاده کرده است. مؤلف در این کتاب داروها را بر اساس حروف ابجد مرتب کرده و علاوه بر ذکر نام آنها در زبان عربی، به زبان‌های سریانی، یونانی، بربری، فارسی و زبان محلی اندلس هم اشاره می‌کند. ابن‌میمون انگیزهٔ خود را از نگارش این اثر، شرح اسامی ادویهٔ شناخته شده در صنعت طب دانسته است و تنها به ذکر نام داروهای مفرده‌ای که دارای بیش از یک نام هستند، می‌پردازد و از ذکر داروهای شناخته شده نظیر انگور و انجیر که اسم یونانی آنها در کتاب‌های ترجمه شده دیده می‌شود پرهیز می‌کند (۱۴). نسخه‌هایی از این اثر در کتابخانهٔ فاتح و ایاصوفیا در استانبول (۱۵) و کتابخانهٔ دانشگاه تهران و مطالعات فرهنگی موجود است (۱۶). مایرهوف آن را به زبان فرانسوی (۱۹۴۰م) ترجمه کرده است. این کتاب در سال ۱۴۱۹ه.ق، در قاهره، مکتاب‌هایه الثقافه الدینیه، به چاپ رسیده است. همچنین احسان مقدس آن را به فارسی ترجمه کرده و توسط انتشارات نیلوفر در سال ۱۳۹۲ه.ش به چاپ رسیده است. اثر دیگر وی مختصری از کتاب "*فی ترکیب الأدویه*" یا "*قوی الادویه المرکبه جالینوس*" می‌باشد که نسخه‌ایی از آن در کتابخانهٔ آلوارت است. همچنین وی مختصری ازکتاب "*الأدویه المقابله للأدواء جالینوس*" را نگاشت که نسخه‌ایی از این اثر نیز در کتابخانهٔ آلوارت موجود است (۱۷).

محمدبن‌عمر فخر رازی

محمدبن‌عمر فقیه بزرگ شافعی از حکیمان و طبیبان بزرگ عالم اسلام است که جامع علوم عقلی و نقلی می‌باشد. اصل وی از طبرستان است ولی چون در سال ۵۴۴ هجری قمری در ری زاده شد به امام فخر رازی معروف است .وی در سال ۶۰۶ هجری در هرات درگذشت (۱۸). *"علم الفلاحه"*، که از کتاب *"یواقیت العلوم"* و به زبان عربی نگاشته شده از آثار وی است که نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ ملک تهران موجود است. مطالب کتاب در باب کشت و آماده ساختن زمین برای کشت و تخم در زمین نهادن و آن را عمل آوردن است. البته خود امام آن را از کتاب‌های سایر مؤلفان و متخصصان این رشته فراهم آورده است. این اثر توسط مترجمی ناشناس به فارسی ترجمه شده و نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ ملی است (۱۹). *"الفلاحه"* توسط حسن تاج‌بخش تصحیح و در مجلهٔ سلامت در سال ۱۳۷۴ه.ش به چاپ رسیده است (۱۸).

ابن‌هبل

ابوالحسن مهذب‌الدین علی‌بن‌احمدبن‌علی‌بن‌هبل بغدادی (۵۱۵-۶۱۰ق) ادیب، حکیم و پزشک بود. وی در بغداد زاده شد و به سبب اقامت در موصل و خلاط به موصلی و خلاطی نیز شهرت یافته است (۲۰). از آثار وی *"قرابادین"* به زبان عربی است که نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ ایاصوفیا ترکیه است (۱۵).

کمال‌الدین حمصی

ابومنصور مظفربن‌علی‌بن‌ناصر قرشی از دانشمندان برجسته و نامی است. وی در سال ۶۱۲ هجری درگذشت. *"الرساله الکامله فی الادویه المسهله"*،اثری از وی است که ابن ابی‌اصیبعه در *عیون الانباء* از آن یاد کرده است (۲۱).

نجیب‌الدین سمرقندی

ابوحامد محمدبن‌علی‌بن‌عمر سمرقندی، ملقّب به نجیب‌الدین، از اطبّا و داروشناسان بزرگ ایرانی است وی در سال ۶۱۸ هجری در هرات در حملهٔ مغول کشته شد. سمرقندی تألیف‌های بسیاری در زمینهٔ پزشکی و داروشناسی داشته است (۱۸). از وی کتاب‌ها و رسالاتی در دست است از جمله: *"رساله فی ابدال الادویه"* که نسخه‌هایی از آن در دارالکتاب‌های مصر است (۱۵)؛ *"ابدال الادویه التی وردت فی کتاب الادویه المفرده السمرقندی"*، رساله‌ای دربارهٔ بدل داروها در کتاب ادویهٔ مفرده وی، به ترتیب حروف الفباء است (۲۲). نسخه‌ایی از آن در دارالکتاب‌های الوطنیه تونس است؛ *"الابدال من المعاجین و الاقراص و الادویه المفرده وغیرها"*، نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ رباط است (۱۵)؛ *"ادویهٔ عین"* دربارهٔ داروهای درمان بیماریهای چشم، از قرابادین سمرقندی است. نسخه‌هایی از آن در کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی در قم موجود است (۲۳)؛ *"ادویهٔ قلبیه"*، گفتار بسیار کوتاه از ادویه قلبیه و مفرحات و ترکیب آنهاست (۲۴) و نسخه‌هایی از آن در کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی، مجلس شورا، دانشکدهٔ حقوق تهران و دانشگاه تهران وجود دارد (۲۵). این اثر به کوشش احسان مقدسی، ضمن کتاب *چهار مقاله* از نجیب‌الدین سمرقندی توسط انتشارات منشور سمیر و نیلو برگ در سال ۱۳۹۳ه.ش. به چاپ رسیده است؛ *"الادویه المفرده المستعمله و ذکر خواصها"*، در این رساله ادویهٔ مفرده و مسهله در دو بخش به ترتیب حروف ابجد مرتب شده است (۲۴) و نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های آیت‌الله مرعشی، مجلس شورا، دانشکدهٔ حقوق تهران، دانشگاه تهران (۲۵)، دار الکتاب‌های الوطنیه تونس، لیدن، دارالکتاب‌های المصریه، رامپور، پاریس و کتابخانهٔ عارفه حکمت مدینه موجود است (۱۵)؛ *"اصول التراکیب"* که به زبان عربی نگاشته شده است دارای ۱۹ باب در بیان قوای ادویه و قوانین و اصول ترکیب آن‌هاست (۲۶). نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های ملک، آیت‌الله مرعشی، سنا، آستان قدس، دانشگاه تهران، مجلس شورا، مدرسهٔ فاضلیهٔ قم (۲۷) و متحف العراقی موجود است (۲۸).این اثر توسط نجلاء قاسم عباس تصحیح و انتشارات جامعهٔ بغداد در ۱۴۰۵ ه.ق آن را منتشر کرده است همچنین نسخه‌ای از *"اصول التراکیب"* به زبان فارسی در کتابخانهٔ آصفیه است (۲۹). *"الاقرابادین علی ترتیب العلل التی ذکرت فی کتاب الاسباب و العلامات"*، مشتمل بر ذکر ادویه به ترتیب ذکر علل در کتاب مشهور دیگرش موسوم به *"الاسباب و العلامات"* است (۲۶) و

نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های متحف عراقی، مکتاب‌هایه احمدیهٔ حلب، رباط، دارالکتاب‌های المصریه (۱۵)، دانشگاه تهران، آستان قدس، خانقاه احمدیه، آیت‌الله مرعشی، ملک، ملی، جامع گوهر شاد، آیت‌الله گلپایگانی ،سنا موجود است (۲۷)، اثر دیگر وی *"تتمه قرابادین"* است که نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ دانشگاه تهران، وجود دارد (۳۰)؛ نسخه‌ای از*"قسم الاقرابادین من النجیبیات"* در کتابخانهٔ طلعت قاهره وجود دارد (۱۵). همچنین نسخه‌هایی از *"قوانین ادویهٔ مفرده"* در کتابخانهٔ مجلس شورا وجود دارد (۳۱).

بلغاری

حسن‌بن‌یونس، پزشک ـ داروشناس، درگذشتهٔ پس از ۶۱۷ هجری قمری است. ابن ابی‌اصیبعه شخصی را به نام «التّاج البلغاری» ذکر کرده که پزشک و گیاه‌شناس نامدار و هم روزگار با رشیدالدین‌بن‌صوری بوده است و ابن‌صوری ردّی بر کتاب بلغاری که دربارهٔ ادویهٔ مفرده است، نگاشت. اثری به نام *"الادویه المفرده"* دارد که کتابی دربارهٔ خوراکی‌ها و داروهای مفرده و مرکّبه است و در سال ۶۱۷ هجری نگاشته شده است (۳۲). این کتاب شامل دو بخش است. نخست مقدمه‌ای نسبتاً مبسوط و دوم، بخش اصلی کتاب است. نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های دانشگاه تهران (۲۷) و مغنیسا در ترکیه وجود دارد (۳۳).

صدقه السامری

صدقه‌بن‌منجا السامری، پزشکی که در سال ۶۲۰ هجری قمری در حران وفات یافت (۳۴) و ابن‌ابی‌اصیبعه *"مقاله فی اسامی الادویه المفرده"* را از آثار وی برشمرده است (۳۵).

مهذب‌الدین دخوار

مهذب‌الدین ابومحمدبن‌علی‌بن‌حامد معروف به دخوار (د ۶۲۸ه/۱۲۳۰م) استاد بیمارستان نوری دمشق بود (۱۸). *"ما یقع فی الادویه المفرده من التصحیف"* از آثار اوست که نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ حکیم اوغلی در ترکیه وجود دارد (۳۳).

عبداللطیف بغدادی

موفق‌الدین عبداللطیف بغدادی شافعی (۵۵۷-۶۲۹ق) معروف به «لبّاد» در زبان، فقه، تاریخ، فلسفه و طب دانشمند بود. وی کتاب‌های زیادی در زمینهٔ پزشکی، نحو، منطق، اصول دین، حیوان‌شناسی و گیاه‌شناسی نگاشت (۶). او دارای آثار متعددی است از جمله: *"مقاله فی الراوند"* که نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ ابی‌مصطفی الخلاصی در حلب موجود است (۱۵)؛ *"موازنه الادویه"* اثر دیگر اوست که نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ مکتاب‌هایه الزهرای اصفهان موجود است (۳۶). همچنین بنا بر اظهارات ابن‌ابی‌اصیبعه وی کتاب *"کبیر فی الادویه المفرده"*، *"اختصار کتاب الادویه المفرده لابن‌وافد"*، *"اختصار کتاب الادویه المفرده لابن‌سمجون"*، *"اختصار کتاب النبات لأبی حنیفه الدینوری"* و *"انتزاعات من کتاب دیسقوریدس فی صفات الحشائش"* را نگاشته است (۳۵).

ابن‌رومیه

ابوالعباس احمدبن‌محمدبن‌مُفرِّج (۵۶۱ -۶۳۷ه.ق)، ملقب به عشّاب، نباتی، گیاه‌شناس و داروشناس، محدث و فقیه ظاهری مالکی بود. نیای بزرگش از پزشکان قُرطُبه بود. وی هم‌زمان با تحصیل علوم دینی به پژوهش در گیاه‌شناسی نیز همت گماشت و برای تکمیل معلومات خود زادگاهش را ترک گفت. ابتدا در مغرب العُدوه (در اندلس) به مطالعه و شناخت ویژگی‌های گیاهان پرداخت. پس از آن به افریقیه رفت، سپس در سال ۶۱۳ هجری وارد مصر شد. آنگاه به شام و عراق و حجاز مسافرت کرد و در تمام این مدت به پژوهش دربارهٔ گیاهان مشغول بود. تخصص او به‌ویژه در گیاه‌شناسی بود، چندان که ابن‌ابی‌اصیبعه که معاصر وی بوده، او را از بزرگ‌ترین علما و فضلا دانسته است. آثار متعددی از وی نقل شده است از جمله: کتاب*"الرحله النباتیه"* که کتابی ارزشمند، علمی و قابل توجه در گیاه‌شناسی و داروسازی به‌شمار می‌رود. ابن‌رومیه گیاهان بسیاری را در شمال افریقا به‌خصوص در مغرب و نیز در نواحی دیگر مانند مصر و حجاز کشف و نام و خواص آن‌ها را در *"الرحله النباتیه"* جمع‌آوری کرد و گرچه این کتاب به دست ما نرسیده است، اما ابن‌بیطار در جای جای

کتاب جامع المفردات از آن نام برده است (۳۷). از دیگر آثار وی *"التنبیه علی اغلاط الغافقی"* است و محمدبن‌خطیب در کتاب *"الاحاطه فی اخبار غرناطه"* از آن نام برده است (۳۸). همچنین ابن‌ابی‌اصیبعه از وی *"مقاله فی ترکیب الادویه و تفسیر اسماء الادویه المفرده من کتاب دیسقوریدوس"* را در عیون الانباء ذکر کرده است (۳۹).

رشیدالدین صوری

رشیدالدین ابوالفضل‌بن‌علی صوری، بین سال‌های ۶۳۹-۵۷۳ هجری قمری می‌زیست. در صور واقع در لبنان به دنیا آمد و در دمشق دار فانی را وداع گفت (۶). ابن‌ابی‌اصیبعه از *"الادویه المفرده"* و *"الرد علی کتاب التاج البلغاری"* وی، در عیون الانباء یاد کرده است (۳۵) و دربارهٔ او می‌گوید: «ابومنصوربن‌ابوالفضل‌بن‌علی صوری بر جامع حرفهٔ پزشکی مسلط بود و بر محاسن آشکار و پنهان آن مطلع بود. وی در شناخت داروهای مفرد و ماهیت آن‌ها و اختلاف اسامی و صفات آنها و تحقیق پیرامون خواص و تأثیرات آنها در عصر خویش بی‌نظیر بود». همچنین می‌گوید: «او با یک نقاش همراه بود که با خودش انواع رنگ‌ها و لیقه‌های (قلم‌موها) مختلف و متنوع داشت. رشیدالدین صوری به مناطقی که در آنها گیاه بود همچون منطقهٔ جبل لبنان و دیگر مکان‌ها که هر یک اختصاص به گیاهی خاصی داشت، روانه می‌شد و گیاه را می‌دید و روی آن تحقیق می‌کرد و آن را به نقاش نشان می‌داد، نقاش نیز رنگ و اندازهٔ برگ و شاخه‌ها و ریشه‌های آن را بررسی می‌کرد و سپس تمام موارد را در نظر می‌گرفت و سعی می‌کرد درست مثل آن در آورد. علاوه بر این شیوه‌ای را برای نقاشی گیاهان به‌کار می‌برد و آن این بود که گیاهان را در مراحل مختلف رشد گیاهی‌شان به نقاش نشان می‌داد. از آغاز حیات گیاه و مرحلهٔ رشد و طراوت آن را به نقاش نشان می‌داد که آن‌ها را به تصویر بکشد. سپس مرحلهٔ کامل شدن و دانه‌دار شدن آن را به او نشان می‌داد و نقاش بر اساس آن، می‌کشید، سپس مرحلهٔ خشک شدن آن را نیز نشان می‌داد و او آن را به تصویر می‌کشید، در نهایت به صورت یک دارو در می‌آمد که بیننده آن را در کتاب می‌دید. درست به همان‌گونه‌ای در می‌آمد که ممکن بود آن را در روی زمین ببیند. از این رو تحقیق او در مورد گیاه کامل‌تر و شناخت او از آن آشکارتر می‌شد» (۶).

ابن‌ابی‌البیان

داوودبن‌سلیمان‌بن‌ابی‌الفرج، ملقب به سدیدالدین پزشک و داروساز یهودی تبار مصری (۵۵۷-۶۴۰ه.ق) است. وی در ترکیب داروها و داروشناسی کاربردی تواناترین پزشک روزگار خود بود. *"قرابادین"* مهم‌ترین تألیف او در داروسازی است و مشتمل بر ۱۴ بخش است که در آن نام داروهای گوناگون و رایج در بیمارستان‌ها و داروخانه‌های مصر، عراق و شام گرد آمده است (۴۰). نسخه‌هایی از آن در غوطا، بادلیان، ظاهریه (۱۵) یوسف آغا، بغداد لی وهبی موجود است (۳۳). این اثر به کوشش بولس سباط در المجمع العلمی المصری در قاهره به سال ۱۹۳۲ میلادی چاپ شد (۱۵).

ابن‌بیطار

ضیاءالدین ابومحمد عبدالله‌بن‌احمد مالقی (۵۹۳-۶۴۶ه.ق) معروف به ابن‌بیطار ملقب به عشاب، گیاه‌شناس و داروشناس اندلسی است (۶). وی در اشبیلیه که در آن روزگار پایتخت موحدون، مرکز علم و ادب بود، دانش آموخت و با استادان خود، عبدالله‌بن‌صالح، ابوالحجاج یوسف‌بن‌موراطیر و ابن‌الرومیه، در اطراف آنجا به بررسی و گردآوری گیاهان دارویی پرداخت. ابن‌بیطار در حدود سال ۶۱۷ هجری به قصد تحقیق در محتویات گیاه‌شناختی آثار پیشنیان و معاینه و گردآوری عقاقیر، راهی مشرق یعنی کشورهای غربی جهان آن روز اسلام شد و از شمال افریقا (مراکش، الجزایر و تونس) دیدن کرد. در این مسافرت‌ها، بسیاری از اهل فن را ملاقات کرد و از آنان اطلاعات بسیار دربارهٔ گیاهان محلی به‌دست‌آورد (۴۱). درکتاب الجامع وی ذکر وصف، خواص و نام‌های محلّی (عمدتاً، بَربَری) این (نو) یافته‌ها دیده می‌شود (۴۲). سپس به شام رفت در آنجا به خدمت سلطان ایوبی الملک الکامل در آمد و در زمینهٔ داروهای مفرده و گیاهان پزشکی، معتمد وی گشت و سلطان او را به ریاست عشابان و «اصحاب‌البسطات» (ظاهراً به معنی‌داروفروشان یا عطاران) در قلمرو خود بگماشت. پس از مرگ این سلطان (۶۳۵ق/۱۲۳۷م)، ابن‌بیطار

به قاهره رفت و به خدمت پسر و جانشین او، الملک الصالح نجم‌الدین ایوب، پیوست. با این همه پس از چندی به دمشق بازگشت و تا پایان عمر در آنجا بود (۴۱). فعالیت علمی وی در مصر و شام نیز ادامه یافت و از اشاراتی که وی به رویشگاه‌های فلان یا فلان گیاه کرده چنین برمی‌آید که، دامنه جست‌وجوی خود را از پایگاهش در دمشق فراتر برده و به بخشی از کرانهٔ مدیترانه‌ای آناطولی، به بخش‌هایی از شمال عربستان و حتی تا بین‌النهرین یا به قولی تا «عراق و ایران» سفر کرده است (۴۲).

وی کتاب *"الابانه و الاعلام بما فی المنهاج من الخلل و الاوهام"*، را برای ملک کامل قبل از سال ۶۳۳ قمری نوشت. این کتاب در بیان بسیاری از اشتباهات ابن‌جزله در کتاب *"منهاج البیان فی ما یستعمله الانسان"* نگاشته شده است (۴۱) و داروهای مفرده به ترتیب حروف الفبا مرتب شده است و ۱۳۱ مورد را بیان کرده است (۴۳). نسخه‌هایی از آن مکتبه الحرم المکی الشریف و معهد التراث در حلب موجود است (۱۵).

"تفسیر کتاب دیسقوریدس" تألیف دیگر ابن‌بیطار است. پس از ترجمهٔ کتاب *الحشایش* اثر دیاسقوریدس نام و ماهیت برخی از ادویه‌ها مجهول مانده بود، برخی از دانشمندان دورهٔ اسلامی از جمله ابن‌بیطار کتاب‌هایی در شرح داروها و مجهولات آن تألیف کردند (۴۴). این کتاب شامل چهار مقاله است. که مقالات به ترتیب کتاب الحشایش دیسقوریدس مرتب شده است (۴۳). نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ حرم در مکه موجود است. این کتاب توسط ابراهیم‌بن‌مراد تصحیح و توسط انتشارات دار الغرب الاسلامی در سال ۱۹۸۹ میلادی منتشر شده است.

"الجامع لمفردات الادویه و الاغذیه"، مهم‌ترین و معروف‌ترین اثر ابن‌بیطار که *"الجامع فی‌الطب"* نیز نام دارد و در واقع بزرگ‌ترین دائره‌المعارف داروشناسی بازمانده از قرون وسطی است (۴۱) که ابن‌بیطار آن را بین سال‌های ۶۳۵ -۶۴۶ هجری برای ملک صالح نوشت (۴۵). الجامع کتابی پیرامون شناخت ادویهٔ مفرده و خصوصیات ظاهری اصناف حشایش، و نباتات طبی وخواص و منافع و تأثیرات و کیفیت استعمال و مراتب قوای آن‌ها به‌ترتیب حروف معجم است (۲۶). این کتاب ۳/۵ بار بزرگ‌تر از صیدنه ابوریحان بیرونی است (۴۶). از مزایای آن ذکر نام‌های مرادف بسیاری از مواد دارویی (به‌ویژه گیاهی) است، نه فقط به زبان‌های کلاسیک، داروشناسی دورهٔ اسلامی (یعنی عربی، یونانی معرّب و سُریانی) بلکه به زبان‌ها و گویش‌های اندلس، شمال افریقا (بربری) خاور نزدیک و میانه (مصر، شام و جز آن) و حتی به فارسی و (در مورد مواد وارداتی از هند یا جنوب شرقی آسیا) به هندی است (۴۲). ابن‌بیطار از حدود ۱۴۰۰ مفرده‌ای که وصف کرده است. تقریباً ۱۰۰۰ دارو را مؤلفان یونانی پیشین (به‌ویژه دیسقوریدس و جالینوس) شناخته بودند، ولی ۴۰۰ مادهٔ دیگر را (که تقریباً ۲۰۰ مورد آنها گیاهی است) دانشمندان دورهٔ اسلامی (تا روزگار مؤلف) به قرابادین افزوده‌اند، که سهم بزرگی در پزشکی و داروشناسی قدیم داشته است (۴۱). از الجامع نسخ خطی متعددی در کتابخانه‌های جهان است از جمله در کتابخانهٔ مجلس شورا، سنا، ملی، آستان قدس رضوی، دانشگاه تهران، ملک، آیت‌الله مرعشی (۲۷) المتحف العراقی موجود است. این کتاب ابتدا در سال ۱۲۹۴ه.ق/۱۸۷۴م توسط انتشارات بولاق به چاپ رسید. همچنین به کوشش لکلرک (Leclerc) به فرانسه ترجمه و در سه جلد در پاریس در سال ۱۸۷۷-۱۸۸۳ م چاپ شد و نیز توسط فون زونتهایمر (Von Sontheimer) به آلمانی ترجمه و در دو جلد در سال ۱۸۷۲-۱۸۷۰ میلادی چاپ شد (۱۵).

الجامع تأثیری بزرگ بر داروشناسی مشرق اسلامی و غیر اسلامی داشته است و بسیاری از مؤلفان متأخر، با ذکر مأخذ یا بدون آن، از آن نقل کرده‌اند و به سبب اهمیت و سیاق تألیف *الجامع*، تلخیص‌ها و یا تحریرهایی نیز از آن انجام گرفته است (۴۱) از جمله،*"مالا یسع الطبیب جهله"* از ابن کتاب‌هایی (تألیف در ۷۱۱ق)؛ *"مختصر مفردات ابن‌بیطار"* از سویدی (۶۰۰-۶۹۰ق)*"مختصر مفردات ابن‌بیطار"* از ابن‌منظور(۶۳۰ - ۷۱۱ق)؛ *"مختصر مفردات ابن‌بیطار"* از عبدالرحمن‌بن‌داود حنبلی (قرن ۹هجری) (۱۵)؛ *"ذخیره العطار من مفردات ابن‌بیطار"* از ابوسعیدبن‌ابراهیم مغربی (۱۹)؛*"منتخب الجامع"* از عبدالله ابزری (۳۳)؛ کتاب *"النبات"* از علی‌بن‌عوض، (۲۹)

همچنین این اثر توسط اسحاق‌بن‌مراد، *هزار فن* حسین افندی (د:۱۰۸۹ق)، عبدالرحمن‌بن‌یوسف و نیز مترجمی ناشناس به ترکی ترجمه شده است (۳۳).

"المغنی فی الادویه المفرده"، این کتاب را ابن‌بیطار به فرمان الملک الصالح نجم‌الدین ایوب در قاهره (۶۳۵-۶۳۷ق) تألیف کرد (۴۵)، دارای بیست باب و همانند الجامع است جز اینکه به ترتیب بیماری‌های اعضا می‌باشد (۴۳). نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های پاریس، طوپ قاپ سرایی استانبول، بلدیه الاسکندریه و مؤسسهٔ مطالعات شرقی لنینگراد موجود است (۱۵).

نجم‌الدین‌بن‌المنفاخ

نجم‌الدین ابوالعباس احمدبن‌ابوالفضل اسعدبن‌حلوان، مشهور به ابن‌عالمه و ابن‌منفاخ (۵۹۳ – ۶۵۲ق)، پزشک مشهور دمشقی است (۳۴). ابن‌ابی‌اصیبعه در عیون الانباء از کتاب *"الاشارات المرشده فی‌الأدویه المفرده"* وی نام برده است (۳۵).

کوهین عطار هارونی

داوودبن‌ابی‌نصر مشهور به کوهین عطار هارونی، کتاب *"منهاج‌الدّکان و دستورالاعیان فی أعمال"*، را به سال ۶۵۸ هجری قمری به زبان عربی به رشتهٔ تحریر درآورده است (۱۵). منهاج الدکان را باید از جمله مهم‌ترین و معتبرترین قرابادین‌ها دانست. در این کتاب موضوعاتی نظیر انواع اشکال دارویی، داروهای جایگزین، اسامی داروهای مفرده و اوزان و مقادیر، امتحان ادویهٔ مفرده و مرکبه، چگونگی جمع‌آوری و نگهداری داروهای مفرده و عمر مفید آن‌ها بیان شده است (۴۷). نسخه‌های فراوانی از آن در کتابخانه‌های جهان وجود دارد از جمله در کتابخانهٔ سنا، دانشکدهٔ پزشکی تهران (۲۷)، سلیم آغا، شهید علی، فاتح، ولی‌الدین افندی، احمد الثالث و نور عثمانیه در ترکیه نسخه‌هایی از آن موجود است (۳۳). این اثر بارها چاپ شده است و مؤسسهٔ مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران افست اثری را که حسن ابراهیم الحموی تصحیح و تحقیق کرده را در سال ۱۳۸۳ ه.ش منتشر ساخته است.

رشیدالدین أبوحُلَیقه

رشیدالدین أبوالحسن‌بن‌فارس أبی‌الخیر معروف به ابوحلیقه از پزشکان بزرگ روزگار خود بود. وی در سال ۵۹۱ هجری در مصر به دنیا آمد (۳۴) و درحدود سال ۶۶۰ هجری درگذشت (۱۵). *ابن‌ابی‌اصیبعه "المختار فی الالف عقار"* را از آثار وی ذکر کرده است (۳۹).

ابوالمظفر

ابوالمظفر محمد فرزند المستقر طبیبی که در روزگار ارغون خان (حک: ۶۸۳-۶۹۰ ق) می‌زیسته است وی*"اساس الادویه"* را به زبان فارسی نگاشته است. نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ کشمیر موجود است (۲۹).

ابوالفرج غریغوریوس‌بن‌اهرن

ابوالفرج غریغوریوس‌بن‌اهرن (د:۶۸۴ق) معروف به ابن‌عبری، سر اسقف و دانشمند برجستهٔ یعقوبی است. وی در ملطیهٔ ارمنستان کوچک به دنیا آمد. یوحنا نزد پدر و چند تن از دانشمندان ملطیه به تحصیل علوم و از جمله پزشکی پرداخت و زبان و ادبیات سریانی و عربی و یونانی را نیز فرا گرفت. وی تلخیصی از کتاب جامع المفردات غافقی با عنوان*"منتخب کتاب جامع مفردات غافقی"* فراهم آورده است. او موضوعات مهم متن را حفظ و موارد کم‌اهمیت را حذف کرده است (۴۸) و نسخه‌هایی از آن در متحف الفن الاسلامی و دارالکتاب‌های المصریه موجود است. این اثر را مایرهوف و جرجی صبحی تصحیح کرده و به همراه ترجمهٔ انگلیسی آن در قاهره ۱۹۳۲-۱۹۴۰م به چاپ رسانیده‌اند (۱۵).

عمادالدین الدّنیسری

عمادالدین محمدبن‌عباس‌بن‌احمدبن‌الربعی الدنیسری (۶۸۶-۶۰۵ق) در شهر دنیسر (جزیره‌ای نزیک ماردین) متولد شد. وی در دمشق ساکن شد و در بیمارستان کبیر مشغول به کار شد (۴۹). ابن‌ابی‌اصیبعه*"المقاله المرشده فی درج الادویه المفرده"* را از آثار وی نام برده است (۳۵).

ابن‌نفیس

ابوالحسن (ابوالعلاء) علاءالدین علی‌بن‌ابی‌الحزم، ابن‌نفیس قرشی، پزشک مشهور دمشقی و کاشف گردش ریوی خون است که در ادب، منطق، فلسفه و علوم دینی نیز دستی قوی داشت. تاریخ درگذشت او در سال ۶۸۷ هجری است(۵۰). وی کتاب *الشامل* را در حدود ۳۰ سالگی نوشت. این کتاب مشتمل بر هشتاد دفتر از یادداشت‌های او بود که گویا در مجموع به ۳۰۰ دفتر بالغ می‌شد (۵۱). *"الشامل فی الصناعه الطبیه"*، یکی از مهم‌ترین کتاب‌های داروشناسی در جهان اسلام است. داوری دربارهٔ برتری یکی از دو اثر *الشامل* ابن نفیس و *الجامع* ابن‌بیطار بر دیگری، به‌عنوان بزرگ‌ترین و مبسوط‌ترین اثر داروشناسی به زبان عربی، دشوار است؛ اما در بسیاری موارد، شرح و تفصیل ابن‌نفیس از داروها بسیار بیش از آن چیزی است که در کتاب ابن‌بیطار آمده است. در قیاس می‌توان گفت ابن‌نفیس مفصّل‌تر از ابن‌بیطار به معرفی داروها پرداخته در حالی‌که ابن‌بیطار بیش از هر چیز به ذکر منابع نوشته‌های خود به‌ویژه آرای دیوسکوریدس و مانند آن اهتمام داشته است. پس از *الشامل*، کمتر کتابی با این وسعت در داروشناسی دورهٔ اسلامی پدید آمده است (۵۲).

الشامل دارای سه فن است. فن اول دارای چهار بخش است و به طب نظری اختصاص دارد، فن دوم نیز دارای چهار بخش و دربارهٔ اصول کلی، آلات و ابزار جراحی و اعمال یداوی است و فن سوم خود شامل دو جزء است که جزء اول در دسترس نیست و جزء دوم که به‌طور کامل وجود دارد در ۲۸ کتاب شامل ادویهٔ مفرده است (۱۱). جزء دوم از فن سوم آن، شامل ۲۸ کتاب به ترتیب حروف الفبا است. هر کتاب اختصاص به یکی از حروف دارد و هر دارو در یک مقاله توصیف می‌شود و هر مقاله شامل چند فصل است (۱۱). این کتاب تا سال ۱۹۵۲ میلادی گم شده انگاشته می‌شد در این تاریخ بخش‌هایی از آن در زمرهٔ مخطوطات اسلامی کتابخانهٔ کمبریج فهرست شد و با مقایسه معلوم شد که پیش از آن نسخه‌هایی از چند بخش از این کتاب در فهرست بادلیان بی‌ذکر نام مؤلف آمده بوده است. همچنین نسخه‌های دیگری نیز در موزهٔ عراق، کتابخانهٔ ظاهریه و در کتابخانهٔ پزشکی لاین دانشگاه استانفورد کالیفرنیا موجود است (۵۰). این کتاب توسط دکتر یوسف زیدان تصحیح و در سال ۲۰۰۰ میلادی در ابوظبی به چاپ رسیده است.

ابراهیم‌بن‌بزرگمهر عراقی

ابراهیم‌بن‌بزرگمهر عراقی (۶۱۰-۶۸۸ ق) *"تحفه خانیه"* را که رساله‌ای در بیان شناختن چوب چینی، خواص پزشکی و طبیعی و طریقهٔ چیدن و تهیهٔ آن است، به فارسی نگاشته و آن را به یکی از شاهان عصر خود اهدا کرده است. نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ آستانه معصومیهٔ قم موجود است(۵۳).

ابن‌سُوَیدی

ابواسحاق عزالدین ابراهیم‌بن‌محمدبن‌طرخان انصاری (۶۰۰-۶۹۰ق/۱۲۰۴-۱۲۹۱م)، طبیب و شاعر دمشقی است(۵۴). ابن‌سویدی علاوه بر نوشتن گزیده‌ای از *"الجامع لمفردات* ابن‌بیطار" که نسخه‌ای از آن در المکتاب‌هایه الوقفیه حلب است(۱۵)، کتاب *"التذکره الهادیه و الذخیره الکافیه فی لادویه المفرده"* را که به *"قراباذین سویدی"* نیز معروف است، را نگاشته است. وی در این کتاب داروها را بر حسب اعضای بدن و بیماری‌ها ذکر کرده و تجربیات خود و دیگران را جمع کرده است و همچنین در موارد مختلف به آراء مختلف دانشمندان طب اشاره می‌کند (۵۵). نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های چستربیتی، آصفیه، رامپور، بانکی‌پور (۱۵)، وزیری یزد، دانشگاه تهران و جامع گوهرشاد موجود است (۲۷). این کتاب بارها در قاهره در سال‌های ۱۲۷۵، ۱۲۹۸، ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ هجری قمری به چاپ رسیده است (۵۴). همچنین توسط بدرالدین محمدبن‌قوصونی و عبدالوهاب شعرانی (د: ۹۳۲ق)(۱۵) محمدبن‌اسحاق‌بن‌ابی‌العباس ابرقویی(۵۳) و دو مؤلف ناشناس خلاصه شده است (۵۶، ۳۰).

امین‌الدوله والدین

امین‌الدوله والدین، که احتمالاً همان امین‌الدوله طبیب اوتاجی است که در دورهٔ حکومت محمود غازان خان (۷۰۳-۶۹۴ ق) می‌زیسته است. وی اثری در بیان خاصیت نباتات و گیاهان را به فارسی به نام"حکمت" نگاشت که نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ مغنیسا در ترکیه وجود دارد (۲۹).

علی‌بن‌رسول ترکمانی غسانی

شمس‌الدین مظفر یوسف‌بن‌نورالدین منصور عمربن‌علی‌بن‌رسول ترکمانی غسانی یمنی، دومین پادشاه از خاندان رسولی در یمن است. وی در سال ۶۱۹ هجری در مکه دیده به جهان گشود و سال ۶۴۷ هجری، در صنعا به حکومت رسید. او علاوه بر مملکت‌داری و مشغولیت به کارهای نظامی و سیاسی، پادشاهی دانش‌دوست و دانشمند نیز بود و بارگاه او محل بحث علماء بود. وی تألیفاتی از خود به یادگار گذاشت (۵۷). از جمله، *"بغیه الفلاحین فی الأشجار المثمره و الریاحین"* که کتابی در باب زراعت و غرس گیاهان و فوائد و منافع و طبایع و مضار انواع میوه‌ها و طرق دفع آفات است. نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های آستان قدس رضوی (۵۸)، طوپ‌قاپی، مکتاب‌هایه الجامعه الکبیر صنعا و دارالکتاب‌های الوثائق القومیه قاهره موجود است (۵۹). همچنین *"ملح الملاحه فی المعرفه الفلاحه"* از تصانیف جدش الملک الاشرف در زمینهٔ کشاورزی است که غسانی در تألیف بغیه الفلاحین از آن بهره برده است (۵۸).

اثر دیگر وی، *"المعتمد فی الادویه المفرده"* است که کتابی در تعریف خواص و منافع ادویهٔ مفرده به ترتیب حروف معجم است (۲۶). این اثر گزیده‌ای از کتاب‌های، *الجامع لقوی الادویه و الاغذیه* از ابن‌بیطار، *منهاج* تألیف ابن‌جزله، کتاب *ابدال* زهراوی و کتاب *ابدال* ابن‌جزار است. مؤلف در مقدمهٔ کتابش در این باره می‌گوید: «همانا من این کتاب را از کتب مفصل اختصار نمودم، به این شیوه که تطویل را به کناری نهادم و تنها مفرداتی را ذکر کردم که در دست است و پیدا کردن آن کار چندان سختی نیست» (۵۷). نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های دارالکتاب‌های المصریه، المکتاب‌هایه الغربیه بالجامع الکبیر صنعا (۱۵)؛ آستان قدس رضوی و دانشکده پزشکی تهران وجود دارد (۲۷). این کتاب توسط محمود عمر الدمیاطی تصحیح و دارالکتب العلمیه آن را در سال ۱۴۲۱ه.ق منتشر کرده است.

انصاری دمشقی

محمدبن‌ابی‌بکربن‌ابی‌طالب انصار دمشقی معروف به شیخ حطّین در قرن هفتم هجری می‌زیسته است (۳۴). وی کتاب *"الدر الملتقط فی علم فلاحتی الروم و النبط"* را دربارهٔ فنون کشاورزی نوشت. از این اثر نسخه‌هایی در دارالکتب والوثائق القومیه در قاهره موجود است (۵۹).

بهنام‌بن‌موسی

بهنام‌بن‌موسی‌بن‌یوسف المسیحی المتطبب، معروف به ابن‌البواب رحمه‌الله است (۲۶). *"الحشایش"* اثر دیسقوریدس را در سال ۶۲۶ هجری قمری به عربی ترجمه کرده است (۳۳). نسخهٔ مصور فوق‌العاده نفیسی از آن که روی پوست آهو کتابت شده در کتابخانهٔ پاریس وجود دارد (۲۶).

ابوبکربن‌علی‌بن‌عثمان کاسانی

ابوبکربن‌علی‌بن‌عثمان کاسانی (اهل کاسان، شهری در ولایت قدیم فَرغانه در ماوراءالنهر) است. *"الصیدنه فی الطب"* اثر ابوریحان بیرونی را ترجمه کرده است. ابوبکر پس از جلای وطن و استقرار در هند، نسخهٔ نسبتاً کامل‌تری از کتاب *الصیدنه* موجودِ بیرونی را به سبکی خاصّ به فارسی ترجمه و به سلطان دهلی، شمس‌الدین ابوالفتح اِیلْتُتمِش اهدا کرد (احتمالاً در ۶۲۵ق) (۳۲) البته مترجم توفیق قابل توجهی از لحاظ نقل اثر چنان‌که باید و شاید نیافته است. ترجمهٔ او از اشتباهات و اغلاط و سقطات خالی نیست (۶۰). تفاوت‌های عمده‌ای میان محتویات دو متن عربی و فارسی وجود دارد به‌طور مثال کاسانی مقدمهٔ بیرونی را به اختصار نقل می‌کند و غالباً بخش کاملی از آن را حذف می‌کند همچنین همهٔ استشهادها به شعر عرب، و بسیاری از مدخل‌های کوتاه را حذف کرده است. در عوض، مدخل‌هایی در متن فارسی هست که در *الصیدنه* موجود نیست و یا در متن فارسی مشروح‌تر است (۳۲). از این ترجمه چندین نسخه در کتابخانه‌های دانشگاه تهران، مغنیسا، لغتنامهٔ دهخدا (۱۹)، جرنل، موزهٔ بریتانیا موجود است (۲۹). این کتاب توسط ایرج افشار و منوچهر ستوده تصحیح و در سال ۱۳۵۲ منتشر شد.

الصوری

سبط رشیدالدین الصوری، علی‌بن‌یوسف‌بن‌عبدالله المقدسی در قرن هفتم هجری زندگی می‌کرده است. وی *"الشامل فی الادویه المفرده"* که نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ طوپ‌قاپی ترکیه وجود دارد را نگاشته است (۳۳).

نظام‌الدین محمودبن‌محمد هروی

نظام‌الدین مؤلف کتاب*"المغنی فی الادویه المفرده"* است که نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ ایاصوفیا وجود دارد (۳۳).

مؤلف ناشناس

مؤلفی ناشناس در قرن هفتم هجری قرابادینی در نوزده باب به زبان عربی نگاشته است که نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ ملی موجود است (۳۱). همچنین مؤلف ناشناس دیگری اثری به نام*"الادویه المرکبه"* به زبان عربی نگاشته است و از آن دست‌نویسی در کتابخانهٔ ادبیات تهران وجود دارد (۲۵). مترجمی ناشناس نیز در سال ۶۷۹ هجری کتاب*"منهاج البیان فی ما یستعمله الانسان"* اثر ابن‌جزله، پزشک و داروشناس قرن پنجم هجری را به فارسی ترجمه کرد و نسخهٔ آن در کتابخانهٔ خدابخش هند موجود است (۲۹).

نتیجه‌گیری:

اگرچه در موارد متعدد، خط سیر تألیف آثار گیاه‌شناسی در دورهٔ اسلامی نشان از تأثیرپذیری آنان از میراث تمدن‌های دیگر دارد اما دانشمندان تمدن اسلامی فقط به نقل و ترجمه اکتفا نکردند بلکه به بررسی، مشاهده و آزمایش نیز پرداختند و بر اثر همین تتبع و کاوش علمی به پیشرفتی چشمگیر دست یافتند. آنان آثار فراوان ارزشمندی تألیف و همچنین گیاهان جدیدی را شناسایی و معرفی کردند.

با وجود مقارن بودن قرن هفتم با حملهٔ مغول و جنگ‌های صلیبی، در قلمرو اسلامی آثار فراوانی در زمینهٔ گیاه‌شناسی به رشتهٔ تحریر درآمد و دانشوران بزرگی در این علم از میان برخاستند. حملهٔ مغولان در شرق عالم اسلامی، ضربهٔ شدیدی بر پیکر تمدن اسلامی وارد کرد، از جمله نابودی مراکز دانش، کشته شدن و یا جلای وطن عده‌ای از دانشمندان و پزشکان، و از دیگر آثار آن، انتقال مرکز فعالیت علمی به غرب جهان اسلام و خاصه شام و مصر بود. اکثر تألیف‌های گیاه‌شناسی این دوره مربوط به غرب جهان اسلام است و اکثر دانشمندان شرق جهان اسلام همانند نجیب‌الدین سمرقندی پیش از حملهٔ مغول به تألیف کتاب‌های خود پرداخته‌اند.

از جمله کتاب‌های گران‌سنگی که نشان از تکامل دانش گیاه‌شناسی در این قرن دارد آثار مبسوطی همچون *الشامل*، تألیف ابن‌نفیس و *الجامع*، نگاشتهٔ ابن‌بیطار است. اهمیت و ارزش *الجامع* ابن‌بیطار بدان پایه بوده که دانشمندان بسیاری از آن گزیده و اختصار نوشتند و آن را به زبان‌های دیگر نیز ترجمه کردند.

از ۶۱ اثر معرفی شده در این مقاله، ۴۵ مورد آن دارای نسخه است و از گزند ایام و حوادث روزگار مصون مانده و به صورت مکتوب به‌دست ما رسیده است اما از برخی از آن‌ها همانند کتاب*"الرحله النباتیه"* نگاشتهٔ ابن‌رومیه -که از مهم‌ترین ثمرات تمدن اسلامی در زمینهٔ دانش گیاه‌شناسی به شمار می‌روند و بسیاری از تألیف‌های متأخر اسلامی از آن استفاده کرده‌اند- نسخه‌ای به‌دست ما نرسیده و تنها در کتاب‌های دیگر از آنها یاد شده است.

تمایل به تألیف و ترجمهٔ آثار گیاه‌شناسی به زبان فارسی در این قرن دیده می‌شود از جمله آثاری که می‌توان در این مورد نام برد ترجمهٔ *"الصیدنه"* اثر ابوریحان بیرونی و تألیف *رسالهٔ "تحفه خانیه"* توسط ابراهیم‌بن‌بزرگمهر عراقی به زبان فارسی می‌باشد.

References:

1. Ghahreman A,Okhovat AR. Matching the Old Decriptions of Medicinal Plants with the Scientific Ones. Tehran: University of Tehran press; 2010. [In Persian]

2. Shams Ardakani MR, Zolfaghari B, Roozbahani M, Turki M, Roozbahani, A. *Morrori bar Tarikh va Mabani Tebbe Sonati Islam va Iran*. Tehran: Sahbaei danesh; 2011. [In Persian]

3. Sarton G. A History of Science: Ancient Science Through the Golden Age of Greece. Translated by: Aram A. Tehran:Amir Kabir Press;1968.

4. Naderi N. *Daru/Darusazi in:* The *Encyclopedia of the Islamic World.* Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation Press; 2011.

5. Ghahreman A,Okhovat AR. *Matching the Old Decriptions of Medicinal Plants with the Scientific Ones*. Vol.1. Tehran: University of Tehran press; 2005. [In Persian]

6. Al-defh AA. *Mashahir Giyahshenasi Dar Tamadon Islami*. Translated by: Ghafari F. Tehran: Pajoheshgah Oloom Ensani va Motaleat Farhangi Press; 2008. [In Persian]

7. Velayati AA. *Farhang va Tamadon Islami*. Qom: Daftar nashre maaref Press; 2013. [In Persian]

8. Al-fakhouri H, Ger Kh. *Tarikhe Falsafe dar Jahan Islami:Tarikh Al-phlsafe Al-Arabieh*. Translated by: Ayati AM. Tehran: Sherkat Entesharat Elmi Farhangi Press; 1995. [In Persian]

9. Aram A. *Elm Dar Islam*. Tehran: Soroush; 1987. [In Persian]

10. Jan Ahmadi F. *Tarikh Farhang va Tamadon Islami*. Qom: maaref Press; 2011. [In Persian]

11. Ibn al-Nafis AH. *Al-Shamil fi al- Sana-ye al-Tibbiyy-ye*. Research by: Zaidan Y. Vol.1. Tehran: Iran University of Medical Sciences: Mossaseyeh Motaleate tarikhe pezeshki, Tebe Islami va Mokamel; 2008. [In Arabic]

12. Habibi Mazaheri M. Ayoubian in: The Great Islamic Encyclopedia. Vol.9. Tehran: The Center for the Great Islamic Encyclopedia; 2001. [In Persian]

13. Zaryab A. Ibn maymon in: The Great Islamic Encyclopedia. Vol.5. Tehran: The Center for the Great Islamic Encyclopedia; 1999. [In Persian]

14. Al-Qurtubi MA. *Sharh Asma Al-agar*. Translated by: Moghadas E. Tehran: Nilofar Press; 2013. [In Persian]

15. Curcis A. *Masader al- Nabatat al-Tebbieh*. Baghdad: Al-Majma Al-Elmi Al-Iraqi; 1986. [in Arabic]

16. Derayati M. *Fehrestvare-e Dast Nevesh-ha-ye Iran (DENA).* Vol.6.Tehran: Library, Museum and Documents Center of the Islamic Consultative Assembly Press; 2010. [In Persian]

17. Sezgin F. Arabic Literature. Translated by: Khane Ketab. Vol.3.Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance; 2001. [In Persian]

18. Tajbakhsh H. *Tarikhe Pezeshki va Dampezeshki Iran*. Vol.2. Tehran: Tehran University Press; 2006. [in Persian]

19. Derayati M. *Fehrestvare-e Dast Nevesh-ha-ye Iran (DENA)*. Vol.7.Tehran: Library, Museum and Documents Center of the Islamic Consultative Assembly Press; 2010. [In Persian]

20. Rahimluo Y. Ibn Habal in:The Great Islamic Encyclopedia. Vol.5.Tehran: The Center for the Great Islamic Encyclopedia; 1999[In Persian]

21. Ibn Abi Usaibia MM. *Ayun Al-Anba fi Tabaghat Al-Atteba*.Translated by: Zakir MI. Vol.3. Tehran: Zaem; 2014. [In Persian]

22. Abdel-Hafiz M. *Fehres Makhtotat al-Tibb va al- Seydneh va al-Bitarreh va al- Bizarreh fi Dar-al-kutob al-vatanieh b-Tunisia, al- Monazameh al-Arabieh li Tarbieh va Seghafeh va al-Oloom*. Vol.1. Cairo: Moahed al-Mokatebat al- arabieh; 2000. [In Arabic]

23. Hosseini SA. *Fehrest Noskhehaee Khati Ketabkhane Ayatollah Marashi Najafi*. Vol.34. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Press; 2006. [In Persian]]

24. Derayati M. *Fehrestvare-e Dast Nevesh-ha-ye Iran (DENA)*. Vol.2. Tehran: Library, Museum and Documents Center of the Islamic Consultative Assembly Press; 2011. [In Persian]

25. Derayati M. *Fehrestvare-e Dast Nevesh-ha-ye Iran (DENA)*. Vol.1. Tehran: Library, Museum and Documents Center of the Islamic Consultative Assembly Press; 2010. [In Persian]

26. Erfanian Gh. *Fehrest Kotub khati Ketabkhane Markazi va Markaz Asnad Astan Quds Razavi*. Vol.19. Mashhad: Central Library Publications and Astan Quds Razavi Documentation Center; 2001. [In Persian]

27. Shams Ardakani MR, Mokhber Dzfoli MR,Ghasemlo F,Sadr M. *Fehrestvare-e Moshtarak-e noskhe-ha-ye khati-ye Pezeshki va Oloom Vabasteh Dar Ketabkhane-ha-ye Iran*. Tehran: Sabz Arang; 2008. [In Persian]

28. Sarmaghandi, NMA.*Osul-e Tarkib Al-adwiya*. Research by Najlah Qasim A. Baghdad: Baghdad Society; 1984.p: [in Arabic]

29. Monzavi A. *Fehrestvare-e Ketab-ha-ye Farsi: Pezeshki, Darusazi,Oloom Tabiee, Kimiya*. Vol.5. Tehran: Center Of Islamic Encyclopedia press; 2003. [In Persian]

30. Derayati M. *Fehrestvare-e Dast Nevesh-ha-ye Iran (DENA*). Vol.2.Tehran: Library, Museum and Documents Center of the Islamic Consultative Assembly Press; 2010. [In Persian]

31. Derayati M. *Fehrestvare-e Dast Nevesh-ha-ye Iran (DENA)*. Vol.8.Tehran: Library, Museum and Documents Center of the Islamic Consultative Assembly Press; 2010. [In Persian]

32. Alam H. *Jostar-ha-yee dar Tarikhe Oloom Doreh Islami*. Tehran: Encyclopedia Islamic foundation; 2002. [In Persian]

33. Shashin R, Isaki J, Aghpkar J. *Fehres Makhtotat al-Tibb al-Islami fi Maktabat Turky*. Tehran :Iran University of Medical Sciences, Mossaseyeh Motaleate tarikhe pezeshki,Tebe Islami va Mokamel; 2007. [In Persian]

34. Issa Bek A. *Tarikh Al-Nabat end Al-Arab*. Cairo: Al- etemad Press; 1943. [In Arabic]

35. Ibn Abi Usaibia MM. *Ayun al-Anba fi Tabaghat Al-Atteba*. Research by Al-Najjar A. Vol 4. Cairo: Al-hiya al-Mesiya al-umeh Lilketab; 2001. [In Arabic]

36. Derayati M. *Fehrestvare-e Dast Nevesh-ha-ye Iran (DENA)*. Vol.10. Tehran: Library, Museum and Documents Center of the Islamic Consultative Assembly Press; 2010. [In Persian]

37. deanat AA. Ibn Rumieh in:The Great Islamic Encyclopedia. Vol.3. Tehran: The Center for the Great Islamic Encyclopedia; 1995. [In Persian]

38. Ibn al-Khatib M. *Al-Ehateh fi Akhbar Gharnate*. Vol.1. Cairo: Mosoeyeh press; 1901. [In Arabic]

39. Ibn Abi Usaibia MM. *Ayun al-Anba fi Tabaghat Al-Atteba*. Research by Al-Najjar A. Vol.3. Cairo: Al-hiya al-Mesiya al-umeh Lilketab; 2001. [In Arabic]

40. Jamshid Nejad Gh. Ibn Abi al-Bayan in:The Great Islamic Encyclopedia. Vol.2. Tehran: The Center for the Great Islamic Encyclopedia; 1995. [In Persian]

41. Alam H. Ibn Baytam in:The Great Islamic Encyclopedia. Vol.3. Tehran: The Center for the Great Islamic

Encyclopedia; 1995. [In Persian]

42. Alam H. Al-Jami Li-Mufradat Al-Adwiya Wa al-Aghdiya. *In: Encyclopedia of the Islamic World*. Vol.9. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation Press; 2005. [In Persian]

43. Ibn al-Baitar AA. *Tafsir-e Kitab-e Dioscorides.* Research by: Bin Murad I .Beirut: Dar al-Gharb al-Islami; 1988. [In Arabic]

44. Mohammadi Far SH. Dioscorides. In:Encyclopedia of the Islamic World. Vol.18. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation Press; 2013. [In Persian]

45. Bin Murad I.*The Al-Mostaleh Al-Ajami fi Al-Tibb va al- Seydneh Al-Arabi-ye.* Vol.1. Tehran :Iran University of Medical Sciences, Mossaseyeh Motaleate tarikhe pezeshki,Tebe Islami va Mokamel; 2005. [In Arabic]

46. Biruni AR. *Al-Seydaneh fi al-Tibb: DaruShenasi dar pezeshki*. Translated by: Mozaffarzadh B. Tehran: Farhangestan zaban va Adab Farsi; 2004. [In Persian]

47. Attar Israeli D. *Minhaj al-Dakan va Dastor Al-ayan fi Amal va tarakib Al-Adwiya Al-nafe-eh Al-abdan*.Tehran:Iran University of Medical Sciences, Mossaseyeh Motaleate tarikhe pezeshki,Tebe Islami va Mokamel; 2004. [In Arabic]

48. Rahimluo Y. Ibn Hebri in:The Great Islamic Encyclopedia. Vol.4. Tehran: The Center for the Great Islamic Encyclopedia; 1991. [In Persian]

49. Zirkli Kh. *AL-Alam*. Vol.6. Beirut: Dar al-Ilm li al-mallayen; 2002. [In Arabic]

50. Sajadi SS. Ibn Nafis in: The Great Islamic Encyclopedia. In:The Great Islamic Encyclopedia. Vol.5. Tehran: The Center for the Great Islamic Encyclopedia; 1999. [In Persian]

51. Renan, Colin A. The History of Cambridge Science. Translated by: Afshar H. Tehran: nashre markaz press; 2003. [In Persian]

52. Ghassemlou F. *Daru/Darusazi*. In:Encyclopedia of the Islamic World. Vol.16. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation Press; 2011. [In Persian]

53. Derayati M. *Fehrestgān-e Noskhe-ha-ye Khatti-ye Iran (FANKHA).* Vol.7. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran; 2012. [In Persian]

54. Moghimi Gh. Ibn Sowaidy in:The Great Islamic Encyclopedia. Vol.3.Tehran: The Center for the Great Islamic Encyclopedia; 1995. [In Persian]

55. Zamiri A, Moairi Z. *Fehrest-e nosakh-e khati-e Ketabkhane Meli Jomhuri Islami Iran*. Vol.14. Tehran: National Library of the Islamic Republic of Iran press; 1996. [In Persian]

56. Derayati M. *Fehrestgān-e Noskhe-ha-ye Khatti-ye Iran (FANKHA)*. Vol.28. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran; 2011. [In Persian]

57. Ghassani Turkamani MM. *Al-motamed fi Al-Adwiya al-Mufradh. Research by: Al-dmyaty MO*. Beirut: Dar al-kuttob Al-elmyeh; 2000. [In Arabic]

58. Derayati M. *Fehrestgān-e Noskhe-ha-ye Khatti-ye Iran (FANKHA)*. Vol.6. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran; 2012. [In Persian]

59. Al-Nadwa Va Al-Alamieh Al-saleseh Li Tarikhe Oloom end Al-Arab. *Fehres Makhtotat al-Falaheh, al-Nabat, al-Mayah va al-Ra*. Kuwait: Mossaseyeh Al- Kuwait Li Taghadom Al-Elmi;1988. [In Arabic]

60. Biruni AR. *Seydneh*. Vol.1. Translated by: Abu Bakr ibn Ali ibn Usman Kassani. Research by Sotoudeh M, Afshar I. Tehran: Shahid Beheshti University, Printing and Publishing Center; 2008. [In Persian]